

محافظت از قدس با پذیرش نظم موجود جهانی؟!!



در جهان کنونی حکم میدان قدرت‌های استعماری اند، آن‌ها نهادها و قوانین را به نفع خود ساخته‌اند، هرگاه بخواهند خلاف فیصله‌ی نهادهایشان عمل می‌کنند و هر زمانی قوانین ساخته‌ی خود را نقض می‌کنند. حکام سرزمین‌های اسلامی و عده‌ای زیادی از سیاست‌مداران مسلمان قوانین و نهادهای غربی را به اثر ضعف فکری خود پذیرفته‌اند و از طریق آن می‌خواهند با غرب مقابله کنند و خواسته‌هایشان را بدست آورند.

اما گذشت سال‌های متمادی و رخدادهای متفاوت نشان داد که سیاست‌مداران مسلمان، با پذیرفتن نظم موجود بین‌المللی نه تنها که چیزی را بدست نیاوردند بلکه پیوسته ارزش‌های مادی و معنوی خود را از دست دادند و در حالی از دست دادن هستند.

در این‌جا قضیه‌ی قدس را می‌توان نام برد. در آخرین مورد، جنجال بر سر آن برافراشته و ادعاهایی در مورد آن ابراز می‌گردد.

چنانچه موضع‌گیری آقای اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه را به حیث جدی‌ترین خواست و موقفی که مردم عام ما از آن به نیکی یاد می‌کنند، می‌توان به عنوان مثال یادآوری کرد. طوری که وی در اظهاراتش گفت: «فیصله‌ی ترامپ در مورد قدس را مورد آزمون قرار خواهیم داد، از طریق شورای امنیت خواهان لغو این تصمیم ترامپ خواهیم شد، کشورهای اسلامی باید بیت المقدس شرقی را به حیث پایتخت فلسطین بشناسند و...»

بینیم که وی با این اظهارات‌اش چه کرده می‌تواند، که هیچ! البته امریکا هم می‌داند که این‌ها کاری از پیش برده نخواهند توانست.

علاوه از موضوعات دیگر دو مسئله‌ی مشخص درین امر مشکل ساز است:

اولاً- مفکوره‌ی نشنلیزم و منافع ملی:

از دید نشنلیزم و مفکوره‌ی ملی؛ ترکیه خود یک ملت است، دولت ملی و اردوی ملی خود را دارد و باید منافع ملی خود را دنبال کند. پس با این طرز دید حق مداخله در مسئله‌ی فلسطین را نخواهد داشت، جزء با الفاظ و اعلان همدردی بدون عمل کرد.

در رسانه‌های مشهور افغانستان نیز در بحث پیرامون تصمیم اخیر دونالد ترامپ و ضرورت دفاع مسلمانان از قبله‌ی اول شان، گرداننده‌گان بحث همین پرسش را مطرح می‌کردند که «افغانستان با امریکا روابط استراتژیکی دارد، آیا مخالفت با این تصمیم ترامپ، در تناقض با منافع ملی قرار نمی‌گیرد؟» و «این‌که؟ مردم افغانستان در میان این دو "منافع ملی و دفاع از قدس" کدام را ترجیح دهند؟» جوابی که داده می‌شد این بود که منافع ملی باید در نظر گرفته شود!

اما در آن هنگامی که صلاح الدین ایوبی به نجات قدس شتافت و آن را آزاد کرد، مفهوم زهری ملت و کشور و منافع ملی مطرح نبود.

ولی امریکا، انگلیس و روسیه و کشورهای هم‌پیمان شان در قضایایی که آن‌ها بخواهند مداخله کرده می‌توانند؛ مانند: حملات شان به سوریه و یمن.

البته به اساس همین جال نشنلیزم بود که هیچ مملکت اسلامی نمی‌توانست به دفاع مسلمانان میانمار بشتابد و آن‌ها را نجات دهد.

دوم- حق و تو:

حق "وتو" در شورای امنیت سازمان ملل متحد حقی است که به پنج عضو دائمی شورای امنیت (امریکا، فرانسه، انگلستان، روسیه و چین) داده شده است تا از تصویب هر پیش‌نویس در این شورا جلوگیری کنند.

"وتو" اصطلاحی است که در زبان لاتین معنای "ممنوع می‌کنم" را می‌دهد. این کلمه برای لغو یک طرفه‌ی یک قانون به کار می‌رود و به این ترتیب "وتو" قدرت نامحدودی است که می‌تواند سبب جلوگیری از تصویب موضوعات خلاف خواست این قدرت‌ها شود. حق و تو بر اساس اندیشه‌ی برتری صلح بر عدالت در اختیار پنج عضو دائم شورای امنیت قرار گرفته است.

البته مخالفت یکی از اعضای دائم به معنای عدم تصویب قطعنامه و به اصطلاح، وتوی آن است. با گذشت ده‌ها سال از حیات سازمان ملل بحث بر سر وجود و استفاده از این حق هنوز هم ادامه دارد.

قابل تذکر است که بیشترین استفاده از حق وتو را دولتی می‌کند که قدرت اول جهان باشد، چون دیده می‌شود که تا قبل از سال ۱۹۹۱م (سقوط شوروی) حدود نیمی از موارد استفاده از وتو توسط شوروی بود. پس از فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱م، امریکا بیشترین استفاده را از حق وتو به عمل آورده است. (منبع: ویکی پدیا دانشنامه‌ی آزاد)

بناً اگر حکام و زمامداران سرزمین‌های اسلامی در ادعای شان صادق اند و دروغ نمی‌گویند، و اگر این اظهارات شان بخاطر اغوای افکار عامه نیست، چهار رابطه‌ی (سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی) شان را با امریکا قطع کنند. یا لااقل دو تا ازین روابط را در حالت تعلیق قرار دهند.

ولی این سر و صداها را در حالی می‌کنند که سفرای این‌ها در امریکا و سفرای امریکا در کشورهای این‌ها بطور نورمال حضور دارند، منابع نفتی شان را در اختیار امریکا قرار داده‌اند و تغییری در آن نیاورده‌اند. معاملات بزرگ اقتصادی شان را با دالر امریکایی انجام می‌دهند و بسیاری ازین دولت‌ها دالر را بحیث پشتوانه‌ی پول رایج خود پذیرفته‌اند.

جاسوسی امریکا را انجام می‌دهند و مبارزین اسلامی خود را بنام تروریست تحویل امریکا می‌کنند و به طیاره‌های امریکائی آدرس می‌سپارند تا در ممالک اسلامی بدون کدام موانع، حملات هوائی را انجام دهند و بزرگ‌ترین قراردادهای خرید سلاح را با این فرعون زمان (امریکا) امضا کرده‌اند، که تا اکنون به حال خود باقیست و مانعی در اجرای آن‌ها دیده نمی‌شود.

لذا با نظم موجود جهانی و با این ارزش‌های حاکم غیراسلامی و با این وضعی که حکام و سیاسیون مسلمان وارد میدان بازی استعمارگران شده‌اند، کاری از پیش برده نخواهد شد و چشم‌امیدی با این وضع نباید داشت، بلکه کنفرانس‌های این حکام و اظهارات ناصواب شان، چیزی دیگری نیست جزء تسلیم شدن در برابر خواسته‌های قدرت‌های استعماری.

نویسنده: عبدالرحمن فهیم